

* لفظ «اول و آخر» در این دعای عظیم که همچون دریائی مواج است، از قرآن مجید، سوره مبارکه حدید آیه سوم گرفته شده، و در حقیقت توضیح و تفسیر مختصر و پر معنائی بر آیه شریفه است.

* می فرماید: خدا اول و آخر است.

همان طور که قرآن می گوید: **هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ** (حدید ۳)
اوست اول و آخر و ظاهر و باطن، و او به همه چیز داناست.

* چنین توصیف و تعبیری در یک آیه و با این کلمات، تنها یک بار در قرآن آمده است.

* در این دعا مراد امام علیه السلام اول و آخر زمانی نیست، زیرا خود زمان مخلوق و پدیده است.

و غیر از خداوند «هیچ چیزی مجرد از زمان و مکان نیست» و همگی مکانمند و زمانمند هستند، حتی ملائکه، روح، عقل، هوش، فکر و اندیشه، مهر و محبت و هر چیز دیگر.

پس: هر چیزی (غیر از خداوند) محکوم به اول داشتن و آخر داشتن است. یعنی در این جهان - اعم از هفت آسمان، کهکشان ها، منظومه ها، کرات و همه عالم ماده و انرژی، روح، ملائکه و... همگی اول و آخر ردیفی و صفی دارند، هم وجود خودشان اول و آخر دارد، و هم نسبت به همدیگر اول و آخر دارند.

و اولیت و آخریت خدای تبارک و تعالی، زمانی و مکانی نیست، زیرا خداوند تبارک و تعالی در ظرف زمانی و مکانی اول یا آخر نمی گنجد، چون خداوند منزله از مکان و زمان بوده و خود خالق زمان و مکان است و محیط بر تمامی هستی است.

* امام صادق - علیه السلام - در ارتباط با این مهم، چنین می فرماید:

الأولُ لأَعْنُ أوَّلِ قَبْلَهُ، ولَا عَن بَدءِ سَبَقَهُ و آخِرٌ لَا عَن نِهَائِهِ كَمَا يَعْقِلُ مِنَ الصِّفَاتِ المَخْلُوقِينَ، وَلَكِنْ قَدِيمٌ أوَّلٌ و آخِرٌ لَمْ يَزَلْ و لَا يَزَالُ بِلَا بَدءٍ وَلَا نِهَائِهِ، لَا يَقَعُ عَلَيْهِ الحُدُوثُ، و لَا يَحُولُ مِنْ حَالٍ إِلَى حَالٍ، خَالِقٌ كُلِّ شَيْءٍ

خداوند نخستین موجودی است که قبل از او اولی نبوده، و آغازی بر او مقدم نبوده است (از چیزی قبل از خود به وجود نیامده) و پایانی است که انتها بودنش از جهت ختم و پایان نیست، آن گونه که از صفت مخلوقات به نظر می آید (چنان که گویند: فلانی آخرین فرزند فلان کس است از حیث این که دیگر بعد از او فرزندی نداشته است) و لکن خدا قدیم اول (دیرینه ای است که هیچ چیز قبل از او نبوده و هیچ چیز بر او پیشی نگرفته بود) و آخری است جاودانه و زوال ناپذیر که همیشه بوده و هست و خواهد بود، بدون ابتدا و انتها، پدید آمدن بر او وارد نیست، از حالی به حال دیگر نگردد، و آفریننده همه چیز است. شیخ صدوق، معانی الاخبار، ترجمه، محمدی شاهرودی، عبد العلی، ج ۱، ص ۲۶ - ۲۷

* ابن ابی یغفور می گوید: از امام صادق علیه السلام از قول خدای عز و جل هو الاول و الاخر .. پرسیدم و گفتم: اما معنی اول را می دانیم {که خداوند خالق و آغاز گر هستی است} و اما کلمه آخر را شما برایمان معنی کنید، فرمود: هر چیزی جز خدا نابود می شود و دگرگون گردد یا نابود و دگرگونی از خارج به او راه پیدا می کند یا رنگ به رنگ شود یا حالت و وصف خود را عوض کند و یا از زیادی به کمی و یا از کمی به زیادی گراید تنها اوست که همیشه به یک حالت بوده و خواهد بود، اوست اول پیش از هر چیز، و آخر برای همیشه، اوصاف و حالت های او مختلف نگردد چنان که دیگر موجودات دگرگون می شوند مثلا انسان یک بار خاک باشد و یک بار گوشت و خون و یک بار استخوان پوسیده و نرم شده و (کافی، ج ۱، ص ۱۵)

سؤال:

این که در زیارت آل یاسین به اهل بیت می گوئیم: شما اول و آخر هستید «انتم الاول و الاخر» یا حضرت علی (علیه السلام) میگوید: «انا الاول و الاخر و الظاهر و الباطن» آیا گرفتار غلو نمیشویم و صفات خدایی را که میگوید: «هو الاول و الاخر و الظاهر و الباطن» به اهل بیت نسبت نمی دهیم؟

1- توصیف خداوند به "اول و آخر" بودن اشاره لطیفی است به:

ازلیت و ابدیت اوست زیرا: او وجودی بی انتهاست که هستی اش از درون ذات او است نه از بیرون تا پایان گیرد یا آغازی داشته باشد.

بنابراین از ازل بوده و تا ابد خواهد بود.

2- توصیف به "ظاهر و باطن" نیز تعبیر دیگری از:

احاطه وجودی او نسبت به همه چیز است. او از همه چیز ظاهرتر است چرا که آثارش همه جا را فرا گرفته و از همه چیز مخفی تر است؛ چون که کنه ذاتش بر کسی روشن نیست زیرا وجودی نامحدود است و ما سواه همه محدود هستیم.

3- اگر در برخی تعبیر نسبت به اهل بیت خطاب اول و آخر و ظاهر و باطن شده است مقصود معنای دیگری غیر از آن معنایی است که در مورد خداوند به کار می رود؛ دقت کنید:

*مرحوم ابن شهر آشوب از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت می کند که فرمود:

« من اول و آخر و باطن و ظاهر هستم و من به هر چیزی عالم هستم...»

مرد اعرابی از این سخن حضرت تعجب کرد. امام در پاسخ فرمودند:

« من اول هستم یعنی اولین نفری هستم که به پیامبر ایمان آوردم و من آخر هستم یعنی آخرین نفری هستم که به پیامبر نگاه کردم زمانی که او در لحد جای گرفته بود و من ظاهر هستم یعنی احکام و شرائع اسلام به وسیله من ظاهر می شود و من باطن هستم یعنی وجود من پر از علم است و من به همه چیز عالم هستم یعنی من عالم به هر آنچه هستم که خداوند رسولش را بر آن

آگاه کرده است. « ابن شهر آشوب جلد: 2 صفحه: 205

*یا فرمودند:

« من اول هستم یعنی اولین مسلمان و مومن به خدا و رسولش هستم و من آخر هستم یعنی آخرین نفری هستم که پیراهن را بر

جنازه مبارک پیامبر پوشاند و دفنش کرد و من ظاهر و باطن هستم یعنی تمام علوم ظاهری و باطنی نزد من است» الاجتهاد - الشيخ المفيد جلد: 1 صفحه: 163

*اگر در زیارت آل یاسین نیز خطاب به اهل بیت علیهم السلام می گوئیم: «انتم الاول و الاخر» شما آغاز و پایان هستید»

معنایش آن است که دین الهی به وسیله شما آغاز می گردد و به وسیله شما پایان می گیرد.

*پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمودند:

ای علی خداوند دین را با ما به پایان برده چنان که آن را با ما آغاز کرده است. الانجاء - الطبرسی جلد: 1 صفحه: 339

*حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

خداوند اسلام را با ما آغاز کرد و با ما به پایان می برد. الاجتهاد - الطبرسی جلد: 1 صفحه: 339

«اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم»